

در این حدیث شریف امام سجّاد علیه السلام به تبیین ویژگی ها و صفات مومن حقیقی پرداخته اند.

معرفی مؤمن حقیقی توسط امام سجّاد علیه السلام

حضرت سیّد السّاجدین و زین العابدین علیّ بن الحسین
علیهما السّلام می فرمایند:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ حَسَنَ سَمْتَهُ وَ هَدَيْهٖ وَ تَمَاوَتَ فِي
مَنْطِقِهِ وَ تَخَاضَعَ فِي حَرَكَاتِهِ فَرُودًا لَا يَغْرُنُّكُمْ! فَمَا أَكْثَرَ

مَنْ يُعْجِزُهُ تَنَاوُلُ الدُّنْيَا وَرُكُوبُ الْحَرَامِ مِنْهَا لَضَعْفِ نِيَّتِهِ وَ
مَهَانَتِهِ وَ جُبْنِ قَلْبِهِ، فَنَصَبَ الدِّينَ فَخَا لَهَا، فَهُوَ لَا يَزَالُ
يَخْتَلُ النَّاسَ بِظَاهِرِهِ، فَإِنْ تَمَكَّنَ مِنْ حَرَامٍ اقْتَحَمَهُ.

وَ إِذَا وَجَدْتُمُوهُ يَعِفُّ عَنِ الْمَالِ الْحَرَامِ فَرُودًا لَا يَغْرَنُّكُمْ!
فَإِنَّ شَهَوَاتِ الْخَلْقِ مُخْتَلِفَةٌ، فَمَا أَكْثَرَ مَنْ يَنْبُوا عَنِ الْمَالِ
الْحَرَامِ وَ إِنْ كَثُرَ، وَ يَحْمِلُ نَفْسَهُ عَلَى شَوْهَاءَ قَبِيحَةٍ، فَيَأْتِي
مِنْهَا مُحَرَّمًا.

فَإِذَا وَجَدْتُمُوهُ يَعِفُّ عَنِ ذَلِكَ فَرُودًا لَا يَغْرَنُّكُمْ! حَتَّى
تَنْظُرُوا مَا عُقْدَةُ عَقْلِهِ، فَمَا أَكْثَرَ مَنْ تَرَكَ ذَلِكَ أَجْمَعَ ثُمَّ لَا

يَرْجِعُ إِلَى عَقْلِ مَتِينٍ فَيَكُونُ مَا يُفْسِدُهُ بِجَهْلِهِ أَكْثَرَ مِمَّا
يُصْلِحُهُ بِعَقْلِهِ.

فَإِذَا وَجَدْتُمْ عَقْلَهُ مَتِينًا فَرُودًا لَا يَغْرُنْكُمْ! حَتَّى تَنْظُرُوا أ
مَعَ هَوَاهُ يَكُونُ عَلَى عَقْلِهِ أَمْ يَكُونُ مَعَ عَقْلِهِ عَلَى هَوَاهُ؟ وَ
كَيْفَ مَحَبَّتُهُ لِلرِّيَّاسَاتِ الْبَاطِلَةِ وَ زُهْدُهُ فِيهَا، فَإِنَّ فِي النَّاسِ
مَنْ خَسَرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ فَيَتْرُكُ الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، وَ يَرَى أَنَّ لَذَّةَ
الرِّيَّاسَةِ الْبَاطِلَةِ أَفْضَلُ مِنْ لَذَّةِ الْأَمْوَالِ وَ النَّعْمِ الْمُبَاحَةِ
الْمُحَلَّلَةِ؛ فَيَتْرُكُ ذَلِكَ أَجْمَعَ طَلْبًا لِلرِّيَّاسَةِ حَتَّى إِذَا قِيلَ لَهُ
اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسِبُهُ جَهَنَّمَ وَ لَبَسَ الْمِهَادُ.

فَهُوَ يَخِيطُ خَبِطَ عَشْوَاءٍ يَقُودُهُ أَوَّلُ بَاطِلٍ إِلَى أْبَعَدِ غَايَاتِ
الْخَسَارَةِ وَ يَمُدُّهُ رَبُّهُ بَعْدَ طَلَبِهِ لِمَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ فِي طُغْيَانِهِ.
فَهُوَ يُحِلُّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ يُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ، لَا يُبَالِي مَا فَاتَ
مِنْ دِينِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ رِيَايَتُهُ الَّتِي قَدْ شَقِيَ مِنْ أَجْلِهَا،
فَاوَلَيْكَ الَّذِينَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
مُهِينًا.

وَلَكِنَّ الرَّجُلَ كُلَّ الرَّجُلِ نَعَمَ الرَّجُلُ هُوَ الَّذِي جَعَلَ هَوَاهُ
تَبَعًا لِأَمْرِ اللَّهِ وَ قُورَاهُ مَبْدُولَةً فِي رِضَى اللَّهِ، يَرَى الذُّلَّ مَعَ
الْحَقِّ أَقْرَبَ إِلَى عِزِّ الْأَبَدِ مِنَ الْعِزِّ فِي الْبَاطِلِ، وَ يَعْلَمُ أَنَّ

قَلِيلَ مَا يَحْتَمِلُهُ مِنْ ضَرَائِهَا يُؤَدِّيهِ إِلَى دَوَامِ النَّعِيمِ فِي دَارٍ لَا
تَبِيدُ وَلَا تَنْفَدُ، وَأَنْ كَثِيرًا مَا يَلْحَقُهُ مِنْ سَرَائِهَا إِنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ
يُؤَدِّيهِ إِلَى عَذَابٍ لَا أَنْقِطَاعَ لَهُ وَلَا يَزُولُ.

فَذَلِكُمُ الرَّجُلُ نَعِمَ الرَّجُلُ؛ فِيهِ فَتَمَسَّكُوا وَبَسَّتِهِ فَاقْتَدُوا وَ
إِلَى رَبِّكُمْ فِيهِ فَتَوَسَّلُوا فَإِنَّهُ لَا تُرَدُّ دَعْوَةٌ وَلَا يُخَيَّبُ لَهُ
طَلِبَةٌ.

«اگر مردی را ببینید که طریقه و روش او نیکوست، و
گفتار خود را آهسته و آرام نموده، و سخن خود را

ضعیف و ملایم نشان دهد و در کارها و حرکاتش خود را
خاضع و فروتن جلوه دهد، فوراً به او گرایش پیدا نکنید!
دست نگاه دارید، توقّف کنید که شما را گول نزنند! زیرا
چه بسیار کسانی هستند که به علّت سستی نیت و پستی
هویّت و ترسو بودن، دلشان از رسیدن به دنیا و ارتکاب
کارهای حرام عاجز مانده‌اند، و بدین جهت دین را دام
وصول به دنیا و وسیله صید وصول به مادیات و شهوات
قرار می‌دهند؛ مردم را به ظاهر آراسته خود می‌فریبند و

چنانچه به چیز حرامی دست یابند با تمام مشقت و
تکلف خود را بدان می‌رسانند و دست می‌آیند.

و اگر دیدید که آن مرد از مال حرام اجتناب می‌ورزد و
دست بدان نمی‌آید پس باز صبر کنید! و در گرایش به
او مبادرت نکنید که شما را فریب ندهد! چون خواسته‌ها
و تمایلات نفسانی مردم مختلف است؛ زیرا که چه
بسیاری از مردم از به دست آوردن مال حرام گرچه
فراوان باشد دوری می‌کنند، ولیکن اراده خود را از راه زنا
و اعمال شنیعه باز نمی‌دارند، و نفس خود را بر ورود بر

یک زن زشت کریه المنظر فرود آورده و از راه حرام با او آمیزش می‌کند.

و اگر آن مرد را چنین یافتید که از این عمل زشت هم دوری می‌کند باز شکبیا باشید! و در گرایش به او شتاب نکنید که مبادا شما را گول زند! تا خوب بنگرید که گره و بستگی عقلانی او چطور است؟ و مرکز تصمیم‌گیری تفکیری او چگونه است؟ چون بسیاری از مردم هستند که از روی آوردن به دنیا و ارتکاب محرمات و وصول به اموال حرام و اعمال آمیزشی جنسی خودداری نموده و

عفت به خرج می دهند، ولیکن دارای عقل متین و فکری
استوار نیستند؛ و بنابراین مفسده کارهائی را که انجام
می دهند بیش از مصلحت آنست؛ چون بر پایه جهالتی که
دارند مفسده ای می آفرینند بیشتر از مصلحتی که پدیده
عقل و درایتشان است.

و اگر عقل او را نیز متین و استوار یافتید باز زود اقدام بر
پیروی و تبعیت نکنید! تا آنکه او را بنگرید که آیا با هوای
نفس خود متحد شده و بر علیه عقلش قیام کرده است؟ و
یا آنکه با عقلش متحد شده و با هم بر علیه هوای نفس

امّاره به پا خاسته‌اند؟ و دیگر ببینید که آیا نسبت به ریاست‌های باطله دنیویّه اشتیاق و رغبت دارد، یا آنکه بی‌رغبت و میل است؟ چون در میان توده مردم افرادی یافت می‌شوند که هم دنیا و هم آخرت هر دو را باخته‌اند؛ دنیا را برای وصول به دنیا ترک گفته‌اند و پنداشته‌اند که لذّت ریاست‌های باطل از لذّت اموال حرام و نعمت‌های مباح و حلال بیشتر است، و بنابراین برای نیل به ریاست‌های باطل از همه اینها گذشته‌اند. و اگر به آنها گفته شود: از خدا بپرهیز! مقام خودخواهی و عزّت

کاذب او را به گناه می‌کشد؛ پس جهنم برای او بس است
و حقاً بد جایگاهی است.

این چنین فردی چون آدم یک چشمی پیوسته در امور
بدون بصیرت و درایت است، و اولین گامی که به باطل
بردارد او را به آخرین مراتب خسران و زیان می‌کشاند. و
پس از آنکه نمی‌تواند به منویات خود برسد،
پروردگارش او را در طغیان و سرکشی ممتد می‌برد، و در
این صورت آنچه را خدا حرام کرده است حلال
می‌شمرد، و آنچه را خدا حلال کرده حرام می‌شمرد؛ و

اگر ریاست باطلش که بدنبالش می‌رود و برای وصول به
آن خود را به مهالک انداخته و به شقاوت رسانده است
سالم بماند، باکی در از بین رفتن دینش ندارد؛ پس این
افراد کسانی هستند که خدا بر آنها غضب نموده و به آنان
صلای دورباش زده و عذاب ذلت‌آمیز و تحقیرانگیز
برایشان مهیا ساخته است.

ولیکن مرد، تمام مرد، نیکو مرد آن کسی است که هوای
نفس و درخواست خود را تابع امر خدا نموده است و
قوای خود را در راه رضای خدا مبدول داشته است؛ و

ذلت را با وجود داشتن حق، به عزت ابدیه نزدیکتر
می‌یابد از عزتی که با باطل به دست می‌آید. و به یقین
می‌داند که گرفتاریهای کم و ناچیز دنیا که برای رضای
خدا آنها را تحمل می‌کند، او را به دوام نعمتهای ابدیه
خداوند در بهشتی که خرابی و فناء و نیستی ندارد خواهد
رسانید. و نیز می‌داند که اگر از هوای نفس اماره خود
پیروی کند بسیاری از خوشی‌هایی که در دنیا می‌برد او را
به عذاب ابدیه خداوند که زوال و انقطاع ندارد خواهد
کشانید.

پس بنابراین بدانید که مرد تمام عیار چنین مردی است؛
مرد نیکو، پسندیده و استوار چنین مردی است؛ پس حتماً
به او تمسک کنید و بر رویه و منهاج و سیره او اقتدا
نمائید و بوسیله او بسوی پروردگارتان متوسل شوید!
چون درخواست و دعای او ردّ نمی‌شود و طلب و
خواهش او دچار حرمان نمی‌گردد.» [2]

امام سجّاد علیه السّلام راه شناسائی افراد را معاشرت و

مراوده با آنها می‌داند

در این روایت شریفه حضرت سجّاد علیه السّلام بخوبی از نقاط ضعف و امور سلبیّه در یک چنین فردی پرده برمی‌دارند. و مطلب را بر محور حبّ و نفع شخصی و رعایت مصالح فردی و حفظ شخصیت و انانیت در ارتباطات اجتماعی و معاشرت با افراد قرار می‌دهند.

معاشرت و مراوده و مصاحبت با این افراد انسان را به مسائل باطنی آنها و اسرار مخفیّه در نفوس ایشان آشنا می‌سازد، و این همان مطلبی است که تمام بزرگان راه و مربیان اخلاق بدین مسأله هشدار داده‌اند و ما را برحذر

داشته‌اند و از خطر این دام سخن رانده‌اند، و حجّت را بر

همه ما تمام کرده‌اند و جای هیچگونه عذر و بهانه‌ای باقی

نگذاشته‌اند.

1- معادشناسی، ج 7، ص 317؛ احتجاج طبرسی «

طبع نجف، ج 2، ص 52 و 53 از تفسیر منسوب به

امام.